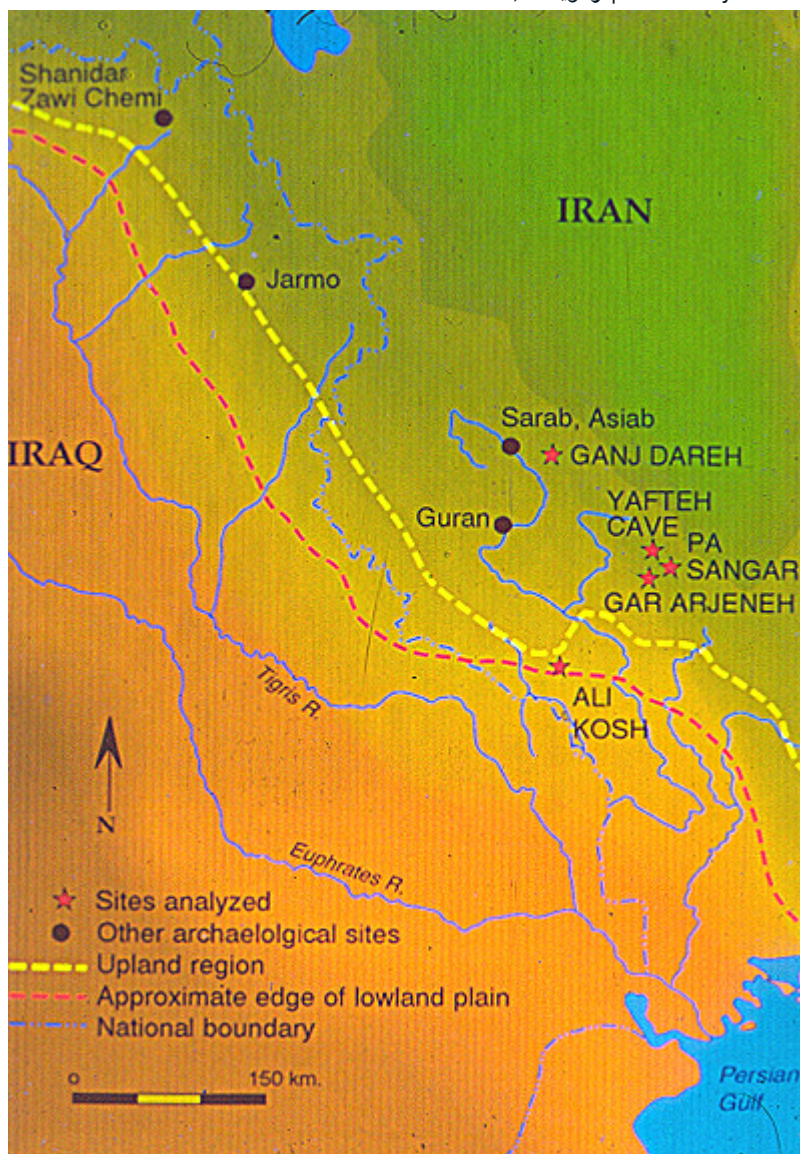


((دگرگونی سرنوشت ساز))

Category: اخبار, تاریخ, مطالب این وبگاه

written by admin | ژانویه 28, 2011



نخستین شواهد اهلی کردن جانوران به دست انسان از گنج‌درة هرسین کرمانشاهان

در حدود 10000 سال پیش رابطه انسان با یکی از جانوران پیرامونش به نحوی سرنوشت‌ساز دستخوش دگرگونی شد.

ترجمه به فارسی از: فرزین آقازاده

در حدود 10000 سال پیش رابطه انسان با یکی از جانوران پیرامونش به نحوی سرنوشت ساز دستخوش دگرگونی شد. این انسان کهن در بخشهای پراکنده‌ای از کوهستان بزرگ زاگرس، از شمال شرقی عراق تا غرب ایران امروزی مسکن داشت. پژوهشهای دکتر "ملیندا زیدر"¹، رئیس بخش باستانشناسی دنیای کهن و باستانشناسی حیات وحش در موزه ملی تاریخ طبیعی²، و دکتر "برایان هس"³ از دانشگاه آلاباما واقع در بیرمنگهام⁴ (در ایالات متحده آمریکا)، این نکته را بر ما آشکار می‌کند که گروهی از انسانها که از دوران نئاندرتالها در منطقه زاگرس به شکار بز می‌پرداختند، در آن برهه از زمان، دیگر به گله‌داری و پرورش این حیوان رو آورده بودند. یافته‌های ایشان حاکی از یک تغییر تدریجی است که در پی آن تأثیری ماندگار هم بر گروه مردمان و هم بر زیست بوم منطقه برجای ماند، منطقه‌ای که اکنون نیز زیستگاه طبیعی بزهای وحشی به شمار می‌آید. نتایج حاصل از پژوهشهای مذکور در



این تصویر نشان دهنده استخوانهای سم بز (Capra Hircus) است که در سکونتگاه ده هزارساله گنجدره در کرمانشاه پیدا شده است که می‌توان با بررسی آنها درباره خاستگاه اهلی کردن جانوران در منطقه جنوب غربی آسیا آگاهیهای تازه‌ای به دست آورد.

از روی اندازه استخوانهای بزهای وحشی امروزی می‌توان دانست که استخوان بزرگتر سمت راستی که قدمتی معادل 10000 سال دارد احتمالاً مربوط به يك بز نر بوده، و آن استخوان کوچکتر از آن يك بز ماده. پایه جوش نخورده سم بز نر يك نشانه بر روی استخوانهای این حیوان است که از کشته شدن آن پیش از رسیدن به سن بلوغ حکایت می‌کند. درحالی‌که استخوان بز ماده جوش خورده و نشان از سن بیشتر آن در هنگام ذبح دارد. چنین روشی را امروز هم گله داران به کار می‌برند و نرهای جوان را از دم تیغ می‌گذرانند اما کشتن ماده‌ها را به تأخیر می‌اندازند. (عکس از: "کارل هانسین"⁶ از "مؤسسه اسمیتسونین"⁷)



این عکس هوایی، جایگاه باستانی "گنجدره" در دره کرمانشاه را نشان می‌دهد که در دهه 1970 میلادی حفاری شده است. پژوهشهای جدید مؤید این است که در اینجا انسان برای نخستین بار بر روی کره خاک به اهلی کردن احشام پرداخته است (این عکس را "برایان هس" از دانشگاه آلاباما در بیرمنگهام در اختیار گذاشته است).

باستانشناسان مدتها نتوانسته بودند بر سر شناسایی نخستین نمونه‌های اهلی کردن حیوانات و تعیین خاستگاه دامداری از میان سرزمینهای مختلف در سراسر دنیا، از نواحی حاصلخیز شرق نزدیک گرفته تا منتهالیه آمریکای جنوبی به توافق برسند. آنها معمولاً این‌گونه فرض می‌کردند که حیوانات اهلی نسبت به نسلهای قبلی یا نمونه‌های هم‌زمان ولی وحشی خود جثه کوچکتری دارند. پژوهش تازه "زدر" و "هس" این فرض را دست کم در مورد بزها که نخستین احشام اهلی شده به دست انسان دانسته می‌شوند، زیر سؤال می‌برد که آیا کوچکتر شدن جثه را به راستی می‌توان به عنوان نشانه‌ای قابل اعتماد برای یافتن اولین شواهد اهلی کردن این حیوان دانست یا نه؟ با مقایسه استخوان‌بندی بزهای امروزی اهلی و وحشی با یکدیگر و ثبت آمار جنسیت و سن آنها، دکتر زدر به این نتیجه رسید که جنسیت، اصلی‌ترین عامل موثر بر جثه حیوان است نه اهلی یا وحشی بودن آن. به‌علاوه او می‌توانست از وضعیت جوش‌خوردگی بخشهایی از بقایای استخوان‌بندی حیوان مرده به نتایجی در مورد سن آن به هنگام مرگ دست یابد. بنابراین توانست به الگویی برای چگونگی ذبح احشام در آن ایام بر اساس جنسیت آنها دست پیدا کند و بررسی این الگو، روشی جایگزین و البته قابل اعتمادتر برای ردیابی جانوران اهلی‌شده اولیه می‌باشد.

اما چگونه؟

او فرض را بر این گذاشت که يك شکارچی به دنبال شکارهای بزرگتر می‌گردد؛ پس حیوان نر بالغ که با هربار شکار گوشت بیشتری نصیب او می‌کند، برایش گزینه بهتری به حساب می‌آید؛ اما در مقابل، يك دامدار (مانند دامداران امروزی) به فکر ازدیاد و بزرگتر کردن گله خویش است و احتمالاً بیشتر تمایل دارد که ماده‌ها را به همراه چندتایی حیوان نر، برای بارور کردن آنها، تا پس از سن بلوغ نگه دارد و نرهای دیگر را پیش از بلوغ ذبح کند و از گوشت آنها بهره‌مند شود. بنابراین با دو روش کشتار حیوانات نزد شکارگران و دامداران روبرویم که هرکدام نهایتاً باعث می‌شود در میان بقایای استخوانی جانوران، درون کوده زباله‌های يك جایگاه باستانی که محل زندگی آن مردم بوده است، الگوی مخصوصی قابل ردیابی باشد. بدین ترتیب می‌توان نشانه‌هایی از نخستین مراحل اهلی کردن حیوانات را در میان سوابق باستان‌شناختی شناسایی کرد که مربوط به زمانی پیش از بروز هرگونه تغییر محسوسی در جثه یا هیکل این جانوران اهلی‌شده می‌باشد.



این تصویر نقشه بخشی از جنوب غربی ایران را نشان می‌دهد که در آن چند جایگاه باستانی واقع شده که بر مبنای پژوهش تازه، این جایگاه‌ها شاهد پیدایی دامداری کهن بوده‌اند. گنجدره، در ارتفاعات لرستان، که در دل زیستگاه طبیعی بزها قرار گرفته بوده، کهن‌ترین شواهد قابل اطمینان از اهلی کردن این حیوان را به دست می‌دهد. در آن روزگاران دور مدت زمانی گذشت تا گروهی از آن مردم باستان به همراه احشام خود که دیگر کاملاً اهلی شده بودند، به

سوی زمینهای پست تر مجاور کوچ کنند و در جایی مانند "تپه علی‌کش" امروزی ساکن شوند. در اینجا نیز شواهدی از اهلی کردن بزها به دست آمده است اما طبق تحقیقات جدیدی که در مؤسسه "اسمیتسونین" انجام شده بقایای به دست آمده در تپه علی‌کش دستکم پانصد سال جدیدتر از گنج‌دره است. (نقشه تپه شده توسط: "مارسیا بکری"⁸ از مؤسسه اسمیتسونین)

با تکیه بر این روش تازه، "زدر" و "هس" در جایگاه باستانی ده هزارساله "گنج دره" در ارتفاعات کوهستان زاگرس نشان از روش کاملاً شناخته شده گله داران امروزی در کشتن احشام یافتند، روشی که در آن نرهای جوان را می‌کشتند و ماده‌ها را برای مدت زمانی بیشتر نگه می‌دارند. پس از قدمت یابی دقیق بقایای استخوانهای حیوان، نخستین هنگام اهلی کردن بز را در همین کوهستانها در منطقه‌ای واقع در میان گستره طبیعی زیست این گونه جانوری دانستند. از آن دوران کهن حدود 500 تا 1000 سال که گذشت، مردم به همراه بزهایشان به سوی زمینهای پست جنوبی به راه افتادند و این حیوان را به خارج از زیستگاه طبیعی‌اش حرکت دادند. گله‌داری و توسعه روشهای تولید غذا برای شکارچیان پیشین، منابع غذایی قابل اعتمادی فراهم آورد تا بتوانند جمعیت خود را افزون تر کنند و به مناطق جدید کوچ نمایند.

به این ترتیب تغییراتی که انسان و زیست‌بومش، هر یک شاهد آن بودند، از جمله گسترش اقتصاد کشاورزی، کاهش تنوع زیستی، و توسعه شهرها، می‌رفت تا از آن به بعد دیگر به بخشی لاینفک از زندگی انسان بدل شود.

اگر اصول و روشی که دکتر زدر و دکتر هس به کار بردند را، درباره شواهد مربوط به گونه‌های جانوری اهلی‌شده در سایر نقاط جهان نیز به کار ببندیم، احتمالاً بتوانیم آگاهی‌های بیشتری درباره تغییر بنیادی نحوه زندگی انسان کهن کسب کنیم. انسانی که پیش از آن برای مدت بیش از یک میلیون سال، شکارگری آذوقه‌جوی بود، و در برهه‌ای از زمان به کشت زمین و دامداری روی آورد. این تغییر عمده در سراسر تاریخ زندگی بشر یکی از اساسی ترین تحولات به شمار می‌آید که بر مبنای آن می‌توان دوران نوین زندگی انسان را از دوران قدیم بازشناخت.

پی نوشتها :

1 - Dr. Melinda Zeder

2 - National Museum of Natural History, Smithsonian Institution, Washington, DC, USA

3 - Dr. Brian Hesse

4 - University of Alabama at Birmingham, Birmingham, AL , USA

5 - Science Magazine

6 - Carl Hansen

7 - Smithsonian Institution

8 - Marcia Bakry

منبع:

مطلب منتشر شده به تاریخ جولای 2000 در منزلگاه اینترنتی موزه ملی تاریخ طبیعی اسمیتسونین که در شماره 24م مارس 2000 نشریه ساینس نیز ارائه شده است .

پیوندهای مرتبط:

این مقاله به تاریخ دوشنبه بیست و نه خرداد 1385 در روزنامه شرق نیز به چاپ رسیده است .